





فهرست

- مقدمه ۵
- استعمار فرهنگی ۷
- آزادی یا اسارت؟ ۹
- از اسلام فقط با یک نیرو می شود پاسداری کرد ۱۳
- از شبهات ناراحت نمی شوم ۱۶
- روحانیت باید مستقل بماند ۱۸
- ضرورت تجدید نظر در برنامه های حوزه های علمیه ۲۰
- یک عمر اگر کم نباشد، زیاد نیست ۲۳
- خطر بزرگ ۲۵
- مقیاس ملیّت ۲۸
- ملت پرستی ۳۱

۳۳	خودباختگی
۳۵	خودباختگی ملی
۳۷	بزرگترین هدیه یک رهبر به ملت خود
۳۸	شدیدترین نیازمندی‌های بشر
۴۱	بحران معنوی بزرگترین بحران عصر حاضر
۴۳	افزایش خودکشی‌ها
۴۵	اشتباه جهان امروز
۴۷	اساس کار «یهود» از نظر قرآن
۵۰	شعارهای اسلامی
۵۳	مسئله نامگذاری
۵۵	نام بابک
۵۷	اظهار نظر غیر متخصص
۶۰	خطر تبلیغ نادرست
۶۴	نسل جوان در نظر ما
۶۶	چه باید کرد؟
۶۸	نسل جوان امروز
۷۰	درد این نسل را باید درک کرد
۷۳	علل گرایش به مکتب‌های الحادی
۷۶	قرآن و مهجوریت آن
۷۸	اگر عزاداری عادت شود
۸۰	ظلم ما به اهل بیت (علیهم‌السلام)!
۸۲	مقیاس کوچکی و بزرگی کار در چشم ما
۸۵	آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب





مقدمه

یک «جریان» یا «خط» فکری، همواره ممکن است دچار «آفت» گردد. و هر قدر این خط، ابعاد آن گسترده‌تر باشد باید نسبت به آفات آن هم «حساسیت» بیشتری نشان داد. علما و اندیشمندان اسلامی علاوه بر معرفی خط اصیل اسلامی، همواره در اندیشه آفت‌زدایی از آن بوده‌اند. در میان متفکرین عصر حاضر شاید بتوان گفت «علامه شهید مطهری رحمه الله» به عنوان یک اسلام‌شناس بی‌نظیر، در صدد تحقق این وظیفه انسانی و اسلامی خود بوده است.

این متفکر شهید - که اسلام را همه‌جانبه، متعادل و به دور از خرافات و کج‌فهمی در جای جای آثار خود معرفی می‌نماید - به عنوان یک سرباز غیور و بیدار، از مرزهای فکری اسلام مواظبت نموده و در هر

مسأله‌ای که احساس خطر نموده‌اند بدون در نظر گرفتن ملاحظات و مصلحت‌های ناصواب «توصیه‌ها و هشدارها»ی لازم را بیان کرده‌اند. این مطلب برای کسانی که توفیق مطالعه و درک اندیشه‌های ایشان را داشته‌اند بسیار روشن است.

کتاب پیش رو مجموعه‌ای است از «توصیه‌ها و هشدارها»ی این متفکر شهید، که با موضوعات فرهنگی از آثار ایشان استخراج شده است.

امید است این نوشته گامی باشد جهت آشنایی خوانندگان محترم با اندیشه‌ها و افکار شهید مطهری علیه السلام. فراموش نکنیم سخن رهبر معظم انقلاب را که فرمودند:

امروز جوانان ما، دانشجویان ما، معلمان ما، کارگران ما، اگر می‌خواهند در زمینه افکار اسلامی عمق پیدا کنند و پاسخ سؤالات خود را پیدا نمایند، باید به کتاب‌های شهید مطهری مراجعه کنند.



هشدارها
و توصیه‌ها



در آثار شهید مطهری علیه السلام



استعمار دقیقاً تشخیص داده و تجربه کرده
است که فرهنگی که مردم مسلمان به آن
تکیه می‌کنند و ایدئولوژی که به آن
می‌نازند، فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی
است.

استعمار فرهنگی

استعمار سیاسی و اقتصادی آن‌گاه توفیق حاصل می‌کند که در استعمار
فرهنگی توفیق به دست آورده باشد. بی‌اعتقاد کردن مردم به فرهنگ
خودشان و تاریخ خودشان شرط اصلی این موفقیت است. استعمار
دقیقاً تشخیص داده و تجربه کرده است که فرهنگی که مردم مسلمان به
آن تکیه می‌کنند و ایدئولوژی که به آن می‌نازند، فرهنگ و ایدئولوژی
اسلامی است، باقی همه حرف است و از چهار دیوار کنفرانس‌ها و
جشنواره‌ها و کنگره‌ها و سمینارها هرگز بیرون نمی‌رود و به متن توده
نفوذ نمی‌یابد؛ پس مردم از آن اعتقاد و از آن ایمان و از آن اعتماد و
حسن‌ظن باید تخلیه شوند تا آماده ساختن، طبق الگوهای غربی
گردند.

برای بدبین کردن مردم به آن فرهنگ و آن ایدئولوژی و پیام‌آوران
آن‌ها، چه از این بهتر که به نسل جدید چنین وانمود شود که مردمی که
شما می‌پندارید، رسالت نجات و رهایی و رهبری بشریت به سعادت را
داشتند و به این نام به کشورهای دیگر حمله می‌بردند و رژیم‌هایی را
سرنگون می‌کردند، خود به وحشیانه‌ترین کارها دست زده‌اند.^۱



۱. مجموعه آثار، چاپ هشتم، ج ۱۴ (خدمات متقابل اسلام و ایران)، ص ۳۱۰ و ۳۱۱.



عدم توجه به وضع طبیعی و فطری زن
بیشتر موجب پایمال شدن حقوق او
می‌گردد.

آزادی یا اسارت؟

این قانون اخلاقی عالی مسیحی [تساوی حقوق زن و مرد] را
کارخانه‌داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به
کارخانه‌ها بکشانند. از آن سال تا به امسال، سودجویی مقاومت‌ناپذیری
آنان را از بندگی و جان‌کندن در خانه رهانیده، گرفتار جان‌کندن در مغازه
و کارخانه کرده است. تکامل ماشین‌یس، رشد روزافزون تولید به میزان
بیش از حد نیاز واقعی انسان‌ها، ضرورت تحمیل بر مصرف‌کننده با
هزاران افسون و نیرنگ، و فوریت استخدام همه وسایل سمعی و
بصری، فکری، احساسی، ذوقی، هنری و شهوانی برای تبدیل انسان‌ها
به صورت عامل بی‌اراده مصرف، بار دیگر ایجاب کرد که سرمایه‌داری از
وجود زن، بهره‌کشی کند؛ امانه از نیروی بدنی و قدرت کار زن

به صورت یک کارگر ساده و شریک با مرد در تولید، بلکه از نیروی «جاذبه و زیبایی» او، از گرو گذاشتن شرافت و حیثیتش، از قدرت افسونگری او در تسخیر اندیشه‌ها و اراده‌ها و مسخ آن‌ها، و در تحمیل مصرف بر مصرف‌کننده و بدیهی است که همه این‌ها به حساب آزادی او و تساوی با مرد گذاشته شد.

سیاست نیز، از استخدام این عامل غافل نماند. ماجراهایش را مرتب در جراید و مجلات می‌خوانید، در همه این‌ها از وجود زن بهره‌کشی شد و زن وسیله‌ای برای اجرای مقاصد مرد قرار گرفت؛ اما در زیر سرپوش «آزادی و تساوی».

بدیهی است که چون قرن بیستم هم، از این فرصت گرانبها غفلت نکرد، برای اینکه از زیر بار تعهدات سنتی نسبت به زن شانه خالی کند و ارزان و رایگان او را شکار کند و به چنگ آورد، از همه بیشتر بر بیچارگی زن و تبعیض‌های ناروا نسبت به او اشک تمساح ریخت، تا آنجا که به‌خاطر اینکه در این جهاد مقدس بهتر شرکت کند، ازدواج خود را تا حدود چهل سالگی به تأخیر انداخت و احیاناً برای همیشه «مجرد» ماند! شک نیست که قرن ما یک سلسله بدبختی‌ها از زن گرفت؛ ولی سخن در این است که یک سلسله بدبختی‌های دیگر برای او ارمغان آورد، چرا؟ آیا زن محکوم است به یکی از این دو سختی و جبراً باید یکی را انتخاب کند یا هیچ مانعی ندارد که هم بدبختی‌های قدیم خود را طرد کند و هم، بدبختی‌های جدید را؟

حقیقت این است که هیچ جبری وجود ندارد. بدبختی‌های قدیم غالباً معلول این جهت بود که «انسان» بودن زن به فراموشی سپرده شده



مشاوره
توضیحات



دراثر شهید مطهری رحمه الله

بود و بدبختی‌های جدید از آن است که عمداً یا سهواً، «زن» بودن زن و موقع طبیعی و فطری‌اش، رسالتش، مدارش، تقاضاهای غریزی‌اش، استعدادهای ویژه‌اش، به فراموشی سپرده شده است.

عجب این است که هنگامی که از اختلافات فطری و طبیعی زن و مرد سخن می‌رود، گروهی آن را به عنوان نقص زن و کمال مرد و بالاخره، چیزی که موجب یک سلسله برخورداری‌ها برای مرد و یک سلسله محرومیت‌ها برای زن است تلقی می‌کنند، غافل از اینکه نقص و کمال مطرح نیست، دستگاه آفرینش نخواسته یکی را کامل و دیگری را ناقص، یکی را برخوردار و دیگری را محروم و مغبون بیافریند.

این گروه، پس از این تلقی منطقی و حکیمانه! می‌گویند: بسیار خب، حالا که در طبیعت چنین ظلمی بر زن شده و ضعیف و ناقص آفریده شده، آیا ما هم باید مزید بر علت شویم و ظلمی بر ظلم بیفزاییم؟ آیا اگر وضع طبیعی زن را به فراموشی بسپاریم، انسانی‌تر عمل نکرده‌ایم؟ اتفاقاً قضیه برعکس است، عدم توجه به وضع طبیعی و فطری زن بیشتر موجب پایمال شدن حقوق او می‌گردد. اگر مرد در برابر زن جبهه ببندد و بگوید: تو یکی و من یکی، کارها، مسئولیت‌ها، بهره‌ها، پاداش‌ها، کیفرها همه باید متشابه و همشکل باشد، در کارهای سخت و سنگین باید با من شریک باشی، به فراخور نیروی کارت مزد بگیری، توقع احترام و حمایت از من نداشته باشی، تمام هزینه زندگی را خودت بر عهده بگیری، در هزینه فرزندان با من شرکت کنی، در مقابل خطرهای خودت از خودت دفاع کنی، به همان اندازه که من برای تو خرج می‌کنم تو باید برای من خرج کنی و... در این وقت است که کلاه زن،



هشدار
توضیح



سخت پس معرکه است؛ زیرا زن بالطبع نیروی کار و تولیدش از مرد کمتر است و استهلاک ثروتش بیشتر. به علاوه بیماری ماهانه، ناراحتی ایام بارداری، سختی های وضع حمل و حضانت کودک شیرخوار، زن را در وضعی قرار می دهد که به حمایت مرد، و تعهداتی کمتر، و حقوقی بیشتر نیازمند است. اختصاص به انسان ندارد همه جاندارانی که به صورت «زوج» زندگی می کنند چنین اند، در همه این نوع جانداران، جنس نر به حکم غریزه به حمایت جنس ماده بر می خیزد.

در نظر گرفتن وضع طبیعی و فطری هریک از زن و مرد، با توجه به تساوی آنها در انسان بودن و حقوق مشترک انسان ها، زن را در وضع بسیار مناسبی قرار می دهد که، نه شخصش کوبیده شود و نه شخصیتش.^۱



اسلام به این دلیل باقیمانده که با شجاعت و
با صراحت و با افکار مختلف مواجه شده
است.

از اسلام فقط بایک نیرو می شود پاسداری کرد

در حکومت اسلامی احزاب آزادند، هر حزبی اگر عقیده غیر اسلامی هم
دارد، آزاد است؛ اما ما اجازه «توطئه گری و فریب کاری» نمی دهیم.
احزاب و افراد در حدی که عقیده خودشان را صریحاً می گویند، و
با منطق خود به جنگ منطق ما می آیند، آن‌ها را می پذیریم؛ اما اگر
بخواهند در زیر لوای اسلام، افکار و عقاید خودشان را بگویند ما حق
داریم که از اسلام خودمان دفاع کنیم و بگوییم اسلام چنین چیزی
نمی گوید. حق داریم بگوییم به نام اسلام این کار را نکنید. چنین آزادی
بحث و گفتگویی را گمان نمی کنم در جایی دیگر، نظیری بتوان برایش
پیدا کرد. شما کی در تاریخ عالم دیده‌اید که در مملکتی که همه مردمش
احساسات مذهبی دارند به غیر مذهبی‌ها آن اندازه آزادی بدهند که بیايند

در مسجد پیامبر ﷺ یا در مکه بنشینند و حرف خودشان را آن طور که دلشان می خواهد بزنند، خدا را انکار کنند، منکر پیامبری شوند، نماز و حج و را رد کنند و بگویند ما این ها را قبول نداریم؛ اما معتقدان مذهب با نهایت احترام با آن ها برخورد کنند.

در تاریخ اسلام از این نمونه های درخشان فراوان می بینیم و به دلیل همین آزادی ها بود که اسلام توانست باقی بماند، اگر در صدر اسلام در جواب کسی که می آمد و می گفت من خدا را قبول ندارم، می گفتند بزنید و بکشید! امروز دیگر اسلامی وجود نداشت. اسلام به این دلیل باقیمانده که با شجاعت و با صراحت و با افکار مختلف مواجه شده است.

داستان مفضل را همه شما شنیده اید، مفضل یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام بود. روزی در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می گذاشت، در این وقت دو نفر مادی مسلک هم وارد شدند و در کنار او شروع کردند به صحبت کردن به طوری که او صدای آنها را می شنید. آن ها در ضمن صحبت هایشان مسئله پیغمبر صلی الله علیه و آله را مطرح کردند و گفتند: مرد نابغه ای بوده که می خواسته تحوّل در جامعه اش ایجاد کند، فکر کرده که بهترین راه تحول این است که از راه مذهب وارد شود؛ البته خود او به خدا و روز قیامت اعتقاد نداشته است؛ ولی از مذهب به عنوان یک ابزار استفاده کرده مفضل شروع کرد به پر خاش کردن به آن ها. گفتند: اوّل بگو از کدام گروه و از اتباع چه کسی هستی؟ اگر از پیروان امام جعفر صادق هستی باید بدانی که ما، در حضور او این حرف ها و بالاتر از این ها را مطرح می کنیم و او، نه تنها عصبانی نمی شود، بلکه همه حرف هایمان را با متانت گوش می دهد و در انتها پاسخ همه آن ها را با استدلال بیان می کند و



خطاهای آنها را نشان می‌دهد. این چنین بوده که اسلام توانسته است باقی بماند شما فکر می‌کنید در طول تاریخ اسلام، حرف‌ها و ایرادات مادیین را چه کسی منعکس کرده و نگاهداشته است؟ خود مادیین؟ نه، بروید مطالعه کنید ببینید که حرف‌های مادیین را فقط علمای مذهبی نگاه داشته‌اند؛ یعنی آنها زمانی این حرف‌ها را به مذهبی‌ها عرضه کرده‌اند و علمای مذهبی نیز با آنها به مباحثه برخاسته‌اند و بعد، آن افکار را در کتاب‌های خودشان ضبط کرده‌اند؛ تمام این حرف‌ها به خاطر ورود در کتاب علمای مذهبی تا به زمان ما باقی مانده است و الا آثار خود آنها اغلب از بین رفته یا در دسترس نیست.

شما به عنوان نمونه، احتجاجات طبرسی و یا احتجاجات بحار را ببینید که تا چه اندازه ایرادات و ادعاهای این گروه را در خود منعکس کرده‌اند. در آینده هم اسلام، فقط و فقط با مواجهه صریح و شجاعانه با عقاید و افکار مختلف است که می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

من به جوانان و طرفداران اسلام هشدار می‌دهم که خیال نکنند راه حفظ معتقدات اسلامی، جلوگیری از ابراز عقیده دیگران است؛ از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن، علم است و آزادی دادن به افکار مخالف و مواجهه صریح و روشن با آنها.^۱



هشدار
توضیح



دراثر شهید مطهری رحمه الله



پیام امام خمینی (ره) به مناسبت دوّمین سالگرد شهادت استاد

بسم الله الرحمن الرحيم

سالروز شهادت شهید مطهری است که در عمر کوتاه خود اثرات جاویدی به یادگار گذاشت که پرتوی از وجدان بیدار و روح سرشار از عشق به مکتب بود. او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم و بی‌قلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت. آثار قلم و زبان او بی‌استثنا، آموزنده و روانبخش است و مواعظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیده نشأت می‌گرفت، برای عارف و عامی سودمند و فرحزاست.

امید آن بود که از این درخت پرثمر، میوه‌های علم و ایمان بیش از آنچه بجا مانده، چیده شود و دانشمندان پربها تسلیم جامعه گردد. مع الاسف دست جنایتکاران مهلت نداد و جوانان عزیز ما را از ثمره طیّبه این درخت برومند محروم نمود، و خدای را شکر که آنچه از این استاد شهید باقی است با محتوای غنی خود مربّی و معلّم است. مرحوم شهید استاد مطهری به ابدیت پیوست؛ خدایش با رحمت خود باموالیانش محشور فرماید.

روح الله الموسوی الخمينی ۱۳۶۰/۲/۹